فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره اول، بهار ۱۳۹۵، صص ۵۵-۸۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۶۰۲۰۳

کارکرد مؤسسات مطالعاتی در سیاست خارجی امریکا در قبال ایران

ابراهیم لب خنده[1]
کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز
حسین کریمی فرد[2]
استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت: ۱۳۹٤/۱۰/۱۵ **تاریخ پذیرش:** ۱۳۹۵/۰۲/۲۱

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

مؤسسات مطالعات سیاسی در آمریکا به مثابهٔ مخازن فکری در ایده‌سازی، تولید علم، آموزش نیروی انسانی و مشروعیت بخشیدن به سیاست‌های آمریکا یا مشروعیت‌زدایی از سیاست‌های بازیگر رقیب و تخریب پرستیژ آن نقش مهمی ایفاء می‌کنند. این مؤسسات در زمرهٔ نهادهای تحلیلی و تبیینی، تأثیر بسزایی در سیاستگزاری و تصمیم‌سازی در حوزه‌های مختلف سیاسی و امنیتی دارند. این نهادها با بهره گرفتن از نخبگان فکری و اجرایی با تجربه به عنوان بازوی فکری نهادهای امنیتی و سیاسی مورد توجه مسئولان و تصمیم‌گیران رسمی هستند. این مراکز که بخش جدایی‌ناپذیر سیاست خارجی آمریکا محسوب می‌شوند، با تدوین سیاست خارجی و طراحی سناریوهای متعدد برای موضوعات مختلف، کنشگران و نخبگان سیاسی را از مزیت‌ها و هزینه‌های هر سناریو آگاه می‌کنند. در این پژوهش، ضمن بررسی جایگاه و کارکرد مؤسسات مطالعاتی و نقش آنها در تصمیم‌سازی و اتخاذ سیاست‌های ایالات متحده آمریکا، سناریوهای مختلف (سازش، جنگ، تغییر از درون، بازدارندگی) در قبال ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. فرضیه این پژوهش که با روش توصیفی – تحلیلی مدون شده عبارت است از: مؤسسات مطالعاتی سیاسی در آمریکا با بهره‌گیری از نظریه‌پردازان بین‌المللی، نخبگان فکری، اجرایی و سیاسی و تعامل با لابی و کانون‌های قدرت، سناریوهای مختلفی را علیه جمهوری اسلامی ایران طراحی می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: اتاق فکر، آمریکا، سازش، جنگ، تغییر از درون، بازدارندگی.

1. labkhandeh.e@gmail.com
2. hkarimifard@yahoo.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

مقدمه

مؤسسات مطالعاتی در تحول سیاست خارجی، شکل‌دهی عقل متعارف و تنظیم موضوعات استراتژیک در عرصهٔ سیاست و سیاست‌گزاری در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی ایالات متحده آمریکا نقش حیاتی ایفاء می‌کنند. کارکرد آنها در تحلیل، مشاوره و خط‌مشی‌گذاری مستقل از احزاب سیاسی و دولت‌هاست. کارکرد ابتدایی این مؤسسات به عنوان نهادهای جامعه مدنی فهم و درک نگرانی‌های ملی و بین‌المللی است.

موضوعات مربوط به ایران، یکی از مهم‌ترین مسائل مورد بررسی و تحقیق در اتاق‌های فکر و مؤسسات مختلف پژوهشی آمریکا بوده است. رصد سیاست‌های آمریکا در قبال ایران نشان می‌دهد تغذیه فکری رویکرد سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران از تحریم‌ها گرفته تا مذاکره از اتاق‌های فکر آمریکا نشأت می‌گیرد و اتاق‌های فکر در جهت‌دهی به دولتمردان آمریکا در تصمیم‌سازی سیاست خارجی کاخ سفید در قبال ایران بسیار تأثیرگذار هستند. بررسی رویکردها و نحوهٔ شکل‌گیری این طرح‌ها در قبال جمهوری اسلامی، می‌تواند منجر به آگاهی‌سازی و در پی آن اتخاذ شیوه‌های مقابله‌ای هوشمندانه و مؤثر شود. گسترش طرح‌ها و پروژه‌های آمریکایی دربارهٔ ایران پس از انقلاب اسلامی و تشدید آنها در سال‌های اخیر، اهمیت روشنگری درخصوص رویکردها، طرح‌ها و پروژه‌های آمریکایی، در مراکز و اندیشکده‌های تصمیم‌ساز و صاحب نفوذ در سیاست خارجی را چندین برابر کرده است.

برخی از نخبگان معتقدند باید روابط با ایران گسترش پیدا کند. گروه دیگر، بر این باورند که باید محدودیت‌های بیشتری علیه ایران ایجاد شود و گروه سوم بر ضرورت رویارویی و مقابله با ایران تأکید دارند. (پوستین‌چی و متقی، ۱۳۹۳: ۱۹) با توجه به اهمیت مؤسسات مطالعاتی و نقش آنها در جهت‌گیری سیاست خارجی آمریکا، در این مقاله سعی بر آن است که ضمن بررسی مدل‌های نظری تصمیم‌گیری، به معرفی اتاق‌های فکر و کارکرد آنها پرداخته شود و سپس سناریوهای طرح‌شده از سوی آنها در ارتباط با ایران مورد بررسی قرار گیرد.

قبل از ورود به بحث نظری و محتوایی مقاله، ذکر چند نکته ضروری است. برای مفهوم «تینک تنک[1]» معادل فارسی که مورد اجماع محافل علمی قرار گرفته باشد و همه از آن استفاده کنند، وجود ندارد به همین دلیل مفاهیم «اتاق فکر»، «مؤسسات مطالعاتی و پژوهشی»،

1. Think- tank

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

«مخازن فکری»، «مخازن اندیشه» و... توسط محققان و پژوهشگران مورد استفاده قرار گرفته است. نکته دیگر این است که نگارنده‌گان با آگاهی از ارتباط نظریات و مدل‌های مختلف تصمیم‌گیری با چگونگی فرایند آن، معتقدند که مدل‌های تصمیم‌گیری (که در ذیل مورد بحث قرار می گیرند) به صورت انفرادی یا تلفیقی برای تحلیل موضوعات مرتبط به اتاق‌های فکر یا مؤسسات پژوهشی (مرحله تصمیم‌سازی) مناسب است.

چارچوب نظری: مدل‌های تصمیم‌گیری

توسیدید از مورخان یونانی در کتاب جنگ پلوپونز عواملی را مورد بررسی قرار می‌دهد که رهبران دولت‌شهرها را به تصمیم‌گیری در مورد مسائل جنگ، صلح و تشکیل اتحاد و امپراطوری رهنمون می‌ساخت. وی علاوه بر دلایل آگاهانه انتخاب‌های دولتمردان و دریافت آنها از محیط سیستمی، نیروهای روانی عمیق‌تر ترس، افتخارجویی و سود را نیز مدّ نظر داشت. به همین دلیل توسیدید را از نخستین بررسی‌کنندگان تصمیم‌گیری به شمار می‌آورند. (دوئرتی- فالتزاف گراف،۱۳۸۳: ۷۲۰)

دیدگاه تصمیم‌گیری برای تحلیل سیاست خارجی اولین بار توسط پروفسور «آر. سی. اسنایدر[1]» و همکارانش در سال ۱۹۵٤م مطرح شد. فرض اساسی این دیدگاه این است که اولاً کنش بین‌المللی عبارت است از مجموعه‌ای از تصمیمات اتخاذشده از سوی واحدهای قابل شناسایی، ثانیاً دولت‌ها به عنوان «بازیگران صحنه» عمل می‌کنند، و در نهایت، در درون کشورها «تصمیم‌گیرانی» وجود دارند که «اقدامات آمرانهٔ آنان، با هر قصد و هدفی، اقدامات دولت مربوطه محسوب می‌شوند». نویسندگان با طبقه‌بندی دامنه وسیعی از عوامل خارجی و داخلی، نیروهای عمده مؤثر بر تصمیم‌گیران را مشخص می‌سازند. روند تصمیم‌گیری شامل سه مقوله فرعی است:

۱. حوزه‌های صلاحیت[2]: آن دسته از فعالیت‌های تصمیم‌گیران که برای رسیدن به اهداف مربوطه ضروری است.

۲. ارتباطات و اطلاعات: معانی، ارزش‌ها و اولویت‌های موجود در زمان تصمیم‌گیری.

۳. انگیزش: عوامل روانی، شخصیتی و ارزشی که بر بازیگران، روند تصمیم‌گیری، و

1. R.C.Snyder
2. Sphere of competence

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

سرانجام این روند تأثیر می-گذارد. (فرانکل،۱۳۷٦: ۹٦)

رابرت فالتزاف گراف و جیمز دوئرتی در کتاب نظریه‌های متعارض روابط بین‌الملل نکاتی را در مورد نظریه تصمیم‌گیری مدّنظر قرار می‌دهند:

– نظریه تصمیم‌گیری نشانهٔ تغییر چشم‌گیری از تحلیل سیاسی سنتی است که طی آن، گاه نویسندگان مستعد قائل شدن جسمیت[1] یا شخصیت[2] برای دولت‌های ملی، به عنوان بازیگران اصلی در داخل سیستم بین‌المللی بوده‌اند.

– نظریه‌پردازان تصمیم‌گیری با محدود کردن موضوع تحقیق از یک جمع بزرگ به واحد کوچک‌تری از اشخاص تصمیم‌گیرندهٔ مسئول، امید دارند که کانون تحلیل سیاسی را دقیق‌تر و انضمامی‌تر برای تحلیلی اصولی و منظم، مستعدتر سازند.

– در نظریه تصمیم‌گیری، عنصر «ادراک» یا «برداشت[3]» از جایگاهی مرکزی برخوردار است. بیشتر نظریه‌پردازان تصمیم‌گیری هنگام بحث از «تعریف موقعیت[4]»، تلقی تصمیم‌گیران از جهان را مهم‌تر از واقعیت عینی می‌دانند. (دوئرتی- فالتزاف گراف: ۷۲۱)

بررسی مدل‌های تصمیم گیری

۱- مدل هربرت سایمون[5]

از دیدگاه هربرت سایمون «تصمیم عقلایی نتیجه منطقی دو مقوله ارزش و واقعیت است. سطوح بالای سازمان به اتخاذ تصمیم‌های ارزشی می‌پردازد که در آن خط‌مشی کلی و استراتژی تعیین می‌گردد، حال آنکه تصمیم‌های مربوط به امور اجرایی و به طور کلی تصمیماتی که از درجه اهمیت کمتری برخوردارند، در سطوح پایین‌تر اتخاذ می‌شوند». (قوام، ۱۳۸٦: ۵۳)

از دیدگاه سایمون از دو نوع تصمیم‌گیری «بهینه» و «بسنده» دومی را باید مبنای کار قرار داد. مبنای تمایز موردنظر سایمون از دخالت یا دخالت نکردن عوامل فردی یا گروهی در تصمیم‌گیری ناشی می‌شود. در صورتی که عوامل مزبور در تصمیم‌گیری دخالت نداشته باشند، تصمیم‌گیری «بهینه» خواهیم داشت. در غیر این صورت، چنانچه عوامل فردی یا گروهی بر

1. Reify
2. personify
3. perception
4. definition of the situation
5. Herbert Simon

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

شیوه تصمیم‌گیری تأثیر گذارد با سیاست «بسنده» روبه‌رو خواهیم شد». (سیف‌زاده،۱۳۸۲: ۱۷٤)

۲- مدل گراهام آلیسون[1]

گراهام آلیسون دو مدل «روند سازمانی» و «سیاست دیوان‌سالاری» را در مورد سیاستگزاری خارجی مطرح می‌کند:

الف) مدل روند سازمانی: از دیدگاه گراهام آلیسون «حکومت یک کشور مجموعه‌ای یکپارچه نیست. بلکه حکومت هرمی از سازمان‌های مختلف تصمیم‌گیری است و رفتار خارجی حکومت در پاسخ به نیاز منافع ملی ناگزیر از کانال این سازمان‌های مسئول به پاسخگویی می‌گذرد.

ب) مدل سیاست دیوان‌سالاری: آلیسون علاوه بر جبریت‌های ناشی از ساخت سازمان اداری تصمیم‌گیری، بازی قدرت بین افراد تصمیم‌گیرنده را نیز در شکل‌گیری نهایی تصمیم مؤثر می‌داند. بدین ترتیب، آلیسون «مدل سیاست دیوان‌سالاری» را مطرح می‌کند. در تشریح این مدل آلیسون استدلال می‌کند که پیامدهای بازی سیاسی یا «برآیند مذاکره میان افراد» چنان است که هرکدام از انسان‌های تصمیم‌گیر در سیاست خارجی خواهان دستیابی به هدفی خاص از منافع ملی هستند. از این‌رو، آلیسون نتیجه می‌گیرد که تصمیمات و اقدامات سیاست خارجی نتیجه فراگردهای سیاسی مذاکره و بازی قدرت موجود در سازمان‌های تصمیم‌گیرنده به حساب می‌آید. (سیف‌زاده،۱۳۸۲: ۱۷۵)

۳- مدل استاین برونر

جان استاین برونر نظریه «سیبرنتیکی تصمیم[2]» را به عنوان بنیان نظریه‌ها و مدل‌های تصمیم‌گیری پیشنهاد کرده است. او تردید دارد که انسان‌ها در حالت عادی، (مطابق فرض نظریه عقلایی) برای تحلیل مسائل پیچیده، از طریق شکستن آنها به تمامی اجزای منطقی‌شان تلاش کنند یا به تمامی اطلاعات دسترسی داشته و تمامی محاسبات را به ویژه در رابطه با سبک و سنگین کردن ارزش‌ها انجام دهند. تصمیم‌گیرندگان سیرنتیکی ضمن اعتقاد به ساده بودن فرایند تصمیم‌گیری، سعی در به حداقل رساندن محاسبات ریاضی یا ارزشی دارند که

1. Graham Allison
2. The cybernetic theory of decision

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

باید اجرا کنند. آنها دسته کوچکی از متغیرهای تعیین‌کننده را تحت نظر گرفته و کاهش عدم قطعیت از طریق نگه داشتن این متغیرها در داخل محدوده‌های قابل تحمل، ارزش اساسی است که به دنبالش هستند. آنها هیچ نیازی به محاسبهٔ نتایج احتمالی که در حال، انجامش توسط ایشان بعید است، نمی‌بینند.

استاین برونر از بررسی انجام‌شده در مورد ادراک، یادگیری، حافظه، استنباط، پرهیز از تناقض فکری باور و شیوه‌های ذهن بشر برای کنترل یا فائق آمدن بر عدم قطعیت، یافته‌های بسیاری را مرور کرده و نتیجه می‌گیرد که نظریه شناخت، تحلیلی از اثرات عدم قطعیت بر فرایند تصمیم، به دست می‌دهد که از اساس با تحلیل‌های قالب فکری تحلیلی یا سیبرنتیکی تفاوت دارد. بر این اساس او از نظریه شناخت برای اصلاح قالب فکری سیبرنتیکی، به ویژه، در رابطه با راه حل ذهنی عدم قطعیت و همچنین برای وارد ساختن مفاهیم «تفکر کلیشه‌ای[1]»، «تفکر متزلزل[2]» و «تفکر نظری[3]» در بحث از پدیده‌های سیاسی و سازمانی استفاده می‌کند. در تفکر کلیشه‌ای، تصمیم‌گیرنده به شکل نسبتاً ساده‌اندیشانه‌ای مسائل را به چند نوع اساسی و معدود طبقه‌بندی می‌کند. در تفکر متزلزل، تصمیم‌گیرنده‌ای که نمی‌داند در مورد مسئله چه بیندیشد بین چند دسته نظر مشورتی در نوسان است و ممکن است در زمان‌های مختلف در مورد یک مسئلهٔ واحد تصمیم‌گیری، الگوهای اعتقادی مختلفی را در پیش گیرد و سرانجام، در تفکر نظری، تصمیم‌گیرنده پایبند باورهایی انتزاعی است که معمولاً حول یک ارزش واحد و در قالب الگوهایی سازمان‌یافته است که عاری از تناقض درونی بوده و در طول زمان، حتی در شرایط عدم قطعیت، ثبات دارند. (دوئرتی – فالتزاف گراف:۷–۷۳۵)

٤. مدل جورج مدلسکی[4]

جورج مدلسکی سیاست خارجی را به مثابه یک فعالیت اجتماعی در نظر می‌گیرد. از دیدگاه وی «پایه و اساس تصمیم‌گیری را بیشتر ذهنیت‌ها تشکیل می‌دهند نه تشریح واقعیت‌ها. دلیل ایشان این است که نباید اقدامات سیاستمداران را صرفاً به عنوان مجموعه‌ای

1. grooed thinking
2. uncommitted thinking
3. theoretical thinking
4. George Modelski

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

از تصمیم‌ها در میان دیگر مسائل به حساب آوریم. مدلسکی قصد دارد مدلی از ساختهٔ ذهنی خود ارائه دهد. او در این ساختهٔ ذهنی، فعالیت تصمیم‌گیری را همانند وظیفه وکیلی می‌بیند که جامعهٔ خود را به دنیای واقعی اتصال می‌دهد.

مدلسکی بر نقش ویژه سیاستگزاران تأکید اکید دارد. «آنان کسانی هستند که با بهره‌گیری از قدرت کشور، ضمن تعیین منافع و علائق جامعه، اهداف سیاستگزاری خارجی را تدوین می‌کنند. از این‌رو، می‌توان گفت که منصب آنان واقعاً کلیدی است؛ زیرا آنان عنصر وحدت و تنظیم‌کنندهٔ اقدامات سیاسی کل جامعه می‌باشند. در حقیقت این وظیفهٔ حساس مکانیسم کنترل در قلب جریانات سیاستگزاری خارجی است.

از دیدگاه مدلسکی سیاستگزاران تنها بازیگران نمایشنامه خارجی نیستند، بلکه کلیهٔ اعضای جامعه که فعالیت آنها به نحوی مرتبط با سیاستگزاری خارجی است را می‌توان در چارچوب مرجع، جهت سیاستگزاری خارجی، بازیگر به حساب آورد. (باربر– اسمیت،۱۳۷٤: ۳۱۷)

در مجموع به نظر می‌رسد با رویکرد اخیر، بهتر می‌توان به توصیف نقش اتاق‌های فکر در سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی پرداخت. از این‌رو، مطالب این مقاله بر مبنای رویکرد بازیگر محور به نگارش درآمده است.

عوامل مؤثر در روند تصمیم گیری در سیاست خارجی آمریکا

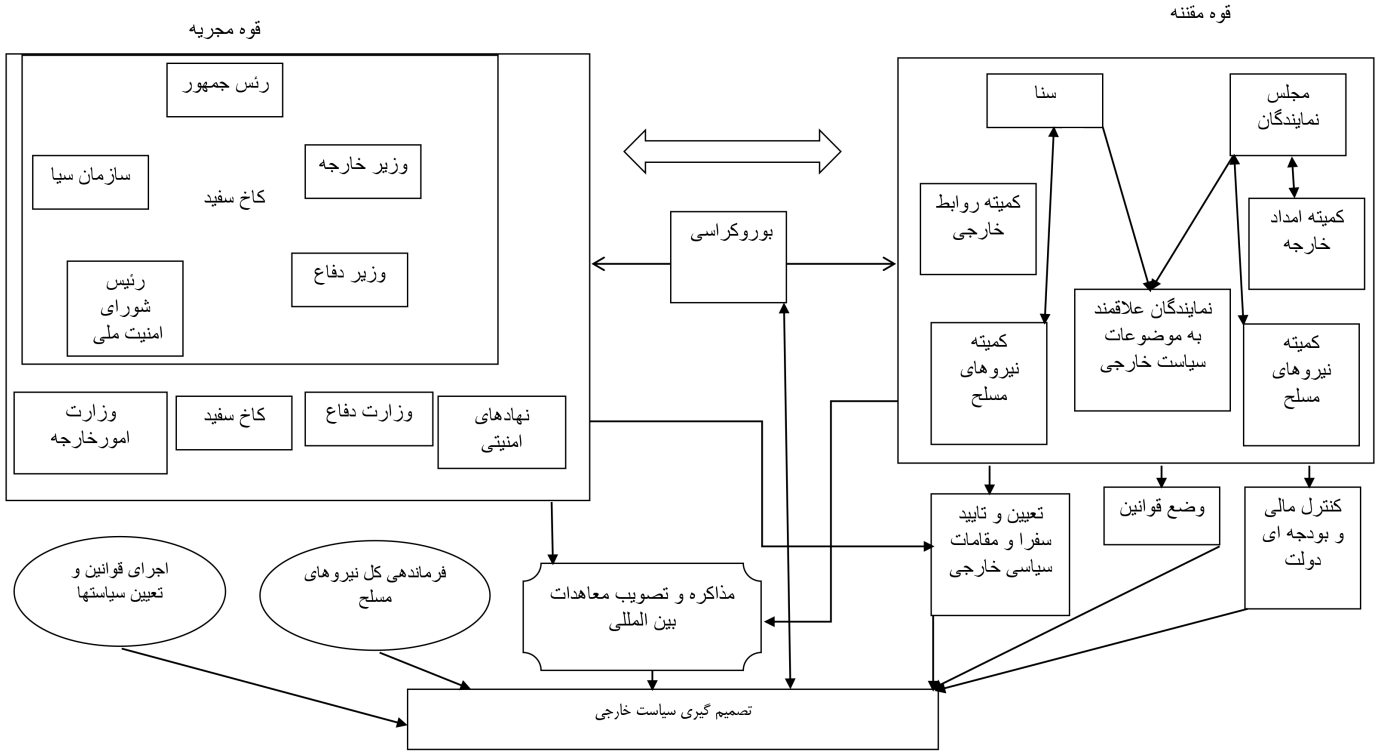
الف) عوامل رسمی

سیاست‌گذاری روندی رسمی دارد که برای رسیدن به بهترین نتیجه تنظیم شده است. در ایالات متحده آمریکا، این مسئولیت بر عهدهٔ قوه مجریه و کنگره قرار گرفته است. اما اینها صرفاً عناوین کلی هستند و بازیگران متعددی در این فرایند دخالت دارند.

قوه مجریه و قوه مقننه دو نهاد رسمی هستند که قانون اساسی ایالات‌متحده تعیین سیاست‌های خارجی را به عهده آنها قرار داده است. اما این بخش از قانون اساسی از ویژگی کلی‌اش، که داشتن ابهامات زیاد و واضح نبودن برخی بخش‌هاست، مستثنی نمی‌باشد. نویسندگان قانون اساسی برای جلوگیری از به وجود آمدن یک دولت مرکزی بیش از حد قدرتمند (که آن را پیش زمینهٔ استبداد می‌دانستند) به تقسیم قدرت میان قوای مختلف پرداختند.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]



نمودار ۱: نظام رسمی تصمیم گیری سیاست خارجی آمریکا (موسوی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹)

ب) عوامل غیررسمی

تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری در سیاست خارجی آمریکا دارای پیچیدگی‌هایی است. جدا از رئیس جمهور و کنگره به عنوان تصمیم‌گیرندگان رسمی، شبکهٔ سازمان‌یافته‌ای از اتاق‌های فکر، گروه‌های ذی‌نفوذ، ساختارهای بورکراتیک و سازمان‌های اجرایی در آمریکا وجود داردکه هر یک تلاش می‌کنند تا زمینه‌های لازم برای شکل دادن به معادله قدرت را فراهم سازند. (متقی و فقیه، ۱۳۹۲: ٤)

نخبگان فکری و ابزاری همواره در کنار سایر حوزه‌های قدرت به ایفای نقش معطوف به سیاستگذاری مشغول بوده‌اند. در حالی که نخبگان نقش خود را در محوریت اصلی قدرت ایالات متحده حفظ کرده‌اند، ساختار حزبی به گونه‌ای تدریجی قدرت و کار آمدی خود را از دست می‌دهد. (میلز، ۱۳۸۳: ١٦٥)

نهادهای غیر رسمی، که اغلب با عنوان گروه‌های ذی‌نفوذ شناخته می‌شوند بر روند تصمیم‌گیری اثرگذارند. پس از جنگ سرد و با تضعیف بیشتر دولت نسبت به جامعه، بر اهمیت گروه‌های ذی‌نفوذ افزوده شده است. گروه‌های ذی‌نفوذ منابع تحقیق را فراهم می‌کنند، به افکار شکل می‌دهند و سیاست‌های خود را جلو می‌برند و گاهی مواقع سیاست ملی را قالب‌ریزی کرده و منافع خود را جایگزین منافع ملی می‌کنند.

انجمن‌های تجاری و مالی، قومیت‌ها، گروه‌های مذهبی، شرکت‌ها و دولت‌های خارجی و مجتمع نظامی– صنعتی از این جمله‌اند. آنها از طریق لابی‌ها، کالج‌ها و دانشگاه‌ها، اتاق‌های فکر، کلیساها و رسانه‌ها، منافع خود را به پیش می‌برند. (موسوی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۲)

کمیته‌های روابط خارجی یا روابط بین‌الملل، بارها با تصویب قوانین خط‌مشی سیاست خارجی رؤسای جمهور را تغییر داده‌اند. مثلاً مخالفت با پیمان‌های منع آزمایش‌های اتمی، منع استفاده از مین‌های ضد نفر و کاهش آلاینده‌های گلخانه‌ای، از همان موارد است. (ابوالفتح، ۱۳۸۱: ۲۷۵)

بسیاری از گروه‌های منفعتی دارای دفاتر همیشگی در واشنگتن یا مراکز ایالت هستند تا ارتباط نزدیک با قانون–گذاران و مدیران اجرایی داشته باشند. (وایل ،۱۳۸٤: ۱۷٦)

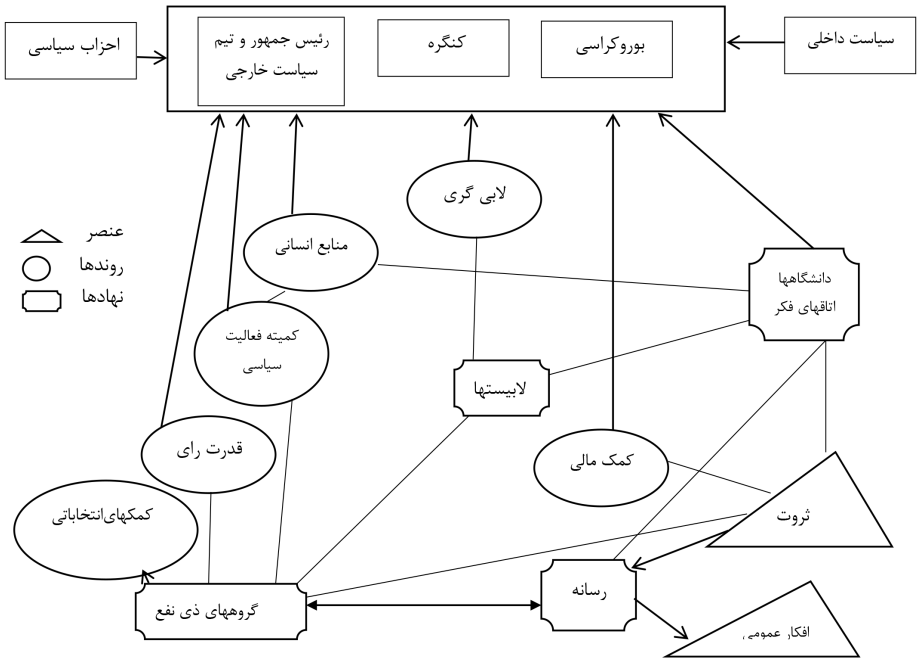
بسیاری از دولتمردان معتقدند تا زمانی که در جامعه ثروتمندان آمریکایی، برای خود حامیان قدرتمندی پیدا نکنند و رسانه‌های با نفوذی را با خود همراه نسازند، نمی‌توانند بر

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

کاخ سفید و کنگره اعمال نفوذ نمایند و تنها این اقلیت چهار درصدی یهودیان آمریکا هستند که به خوبی از عهدهٔ آن برآمده‌اند.(ابوالفتح ،۱۳۸۱: ۲۸۲)

اتاق‌های فکر نیز از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی آمریکاست که در ادامه به بررسی مفصل آن خواهیم پرداخت.



نمودار شماره ۲ : مدل روند تصمیم گیری در سیاست خارجی (موسوی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۲)

نقش و کارکرد مؤسسات مطالعاتی در سیاست خارجی آمریکا

مؤسسات مطالعاتی، تشکیلاتی برای تحلیل و پژوهش‌های سیاسی محسوب می‌شوند که تحلیل سیستمیک در مورد موضوعات مرتبط با سیاست داخلی و بین‌المللی، جهت اتخاذ تصمیمات آگاهانه و با کیفیت را در اختیار نهادها قرار می‌دهند. در قرن گذشته مؤسسات مطالعاتی در آمریکا در سیاست‌سازی بسیار تأثیرگذار بوده‌اند. در دو دهه اخیر این اتاق‌های فکر در سراسر آمریکا گسترش یافته‌اند. (Ahmad_ Baloch,2008: 99)

در سال‌های اخیر مؤسسات مطالعاتی تبدیل به پدیده جهانی شده‌اند، اما مؤسسات

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

مطالعاتی آمریکا به سبب داشتن ویژگی‌های «مشارکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاستگذاری» و «تمایل و اراده سیاستگذاران به مشاوره» از سایر همتایان خود در جهان متمایز هستند. (Abelson,2002:9)

هدف مؤسسات مطالعاتی، تحت فشار قرار دادن دولت برای اتخاذ جهت‌گیری ایدئولوژیک است. اهداف مرتبط به ایدئولوژی، پیچیده بوده و چالش‌های موقتی را ایجاد می‌کنند. (Ibor-ra_Guttormsen,2013: 56)

اصلی‌ترین حوزه فعالیت اتاق‌های فکر را می‌توان معطوف به موضوعات سیاست، حکومت، قدرت و امنیت دانست. (نای ، ۱۳۹۰ : ۱۵) رشد مؤسسات مطالعاتی مدرن به موازات افزایش قدرت رهبری آمریکا در جهان بوده و از سال ۱۹۱٦ تا ۲۰۰۱م، به موازات رشد قدرت آمریکا، مؤسسات مطالعاتی متعددی در حوزه‌های مختلف تشکیل شده است. (Hass, 2002:4-5)

فعالیت اتاق‌های فکر در ایالات متحده در سال‌های بعد از جنگ سرد از تنوع بیشتری برخوردار شده است. روند فعالیت اتاق‌های فکر به شکل مرحله‌ای تکامل یافته است. اصلی‌ترین حوزه فعالیت اتاق‌های فکر، معطوف به موضوعات سیاست، حکومت، قدرت و امنیت است. برای تحقق اهداف راهبردی آمریکا در حوزه‌های مذکور، مطالعاتی دربارهٔ توزیع قدرت بین حوزه‌های اجرایی، قانون‌گذاری و قضایی انجام گرفته است. (ترابی، ۱۳۸۷: ۲۳۸) اتاق‌های فکر در آمریکا از تنوع قابل توجهی برخوردارند. آنان در حوزه‌های تحلیل سیاسی، علوم سیاسی، سیاستگذاری عمومی، روابط بین‌الملل، علوم اجتماعی و اقتصاد فعالیت دارند. نتایج فعالیت پژوهشی این مجموعه‌ها در قالب کتاب، تک نگاره، گزارش، برگزاری همایش و گردهمایی در جهت توجیه مسئولان و تصمیم‌گیران رسمی منتشر می‌شود. به همین دلیل اتاق‌های فکر را می‌توان در لایه‌های گوناگونی تقسیم‌بندی کرد. (ویتکف و کاگلی، ۱۳۸۲: ٦٦٦)

مؤسسات مطالعاتی در ایالات متحده آمریکا نقش مهمی در نشر اطلاعات به سیاستگذاران، شکل دادن به گفتمان عمومی و کارکرد دولت آمریکا ایفاء می‌کنند. (Chance ,2016: 3) به طور کلی می‌توان دوازده نقش یا کارکرد مهم برای محافل فکری مرتبط با امر سیاست خارجی در آمریکا تعریف کرد:

۱- تدوین استراتژی

اولین و شاید مهم‌ترین نقش نهادهای فکری ارائهٔ افکار و ایده‌های جدید و کمک به

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

تدوین استراتژی سیاست خارجی است. این نهادها به واسطهٔ کار مداوم تحقیقاتی در باب موضوعات مختلف سیاسی و بین‌المللی به تدریج به شناخت مناسبی از مسائل مهم و منافع آمریکا در جهان دست یافته‌اند.

۲- تربیت کننده نیرو انسانی

دومین نقشی که محافل فکری بر عهده دارند، تأمین و تربیت کردن نیروی انسانی مورد نیاز برای اشتغال در دستگاه‌های اجرایی مرتبط با امر سیاست‌گزاری خارجی است.

۳- کمک به واکنش در زمان مناسب

سومین نقش نهادهای پژوهشی، ارائه تحلیل‌های کوتاه از مسائل و رویدادهای روزمره در عرصه بین‌المللی است. گاهی اوقات وقایعی که در عرصه سیاست خارجی و بین‌المللی اتفاق می‌افتد نیازمند تحلیل و تفسیر دقیق‌تر به منظور شناخت بهتر برای نشان دادن واکنش سریع و مناسب به آنهاست.

٤- ارائه مشورت به مسئولین

ارائه مشورت به رئیس جمهور، شورای امنیت ملی، اعضای کنگره و دستگاه سیاست خارجی از طریق حضور مستقیم در جلساتی که توسط آنها تشکیل می‌شود، چهارمین شیوه تأثیرگذاری مؤسسات پژوهشی است.

۵- تأثیرگذاری غیرمستقیم

شیوه تأثیرگذاری غیرمستقیم به این شکل است که محافل فکری با برگزاری همایش، میزگرد، چاپ کتاب و نشریه، چاپ مقاله در روزنامه‌ها، انجام مصاحبه‌های مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی یا انتشار اطلاعات از طریق سایت‌های اینترنتی و غیره، هم به سیاست‌مداران درخصوص اتخاذ برخی راهکارها و پرهیز از برخی دیگر، خط می‌دهند و هم سیاست‌های اتخاذشده را برای افکار عمومی داخلی و بین‌المللی توجیه و حمایت آنها را له برخی و علیه برخی دیگر جلب می‌کنند.

٦- دیدگاه‌های متنوع، راهکارهای متعدد

تعداد مراکز تولید و فکر و اندیشه در زمینه مسائل سیاست خارجی و بین‌المللی و دیدگاه‌های متعددی که آنها ارائه می‌دهند سبب می‌شود تا تصمیم‌گیرندگان برای اتخاذ تصمیم به یک یا چند منبع محدود وابسته نباشند.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

۷- استفاده از تجارب مقامات پیشین

هفتیمن کارکرد محافل فکری این است که این محافل مکانی مناسب برای مقاماتی به شمار می‌روند که به طور موقت یا دائم از دولت جدا می‌شوند و علاقه‌مند هستند که در زمینه مسائل خارجی فعال باقی بمانند.

۸- تربیت نخبگان سیاسی عالی رتبه

تربیت نخبگان سیاسی عالی رتبه، هشتمین کارکرد این محافل است. گفته می‌شود کمتر کسی به مقامات عالی‌رتبه سیاست خارجی و امنیت ملی در دولت آمریکا دست می‌یابد بدون اینکه به عنوان عضو و یا مشارکت کننده و یا کمک کننده در گروه های مطالعاتی، از کانال یکی از این محافل فکری عبور نکرده باشد.

۹- تأثیر در زمان انتخابات

یکی دیگر از کارکردهایی که این محافل دارند، نقشی است که تلاش می‌کنند در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا ایفا کنند و از این طریق جایگاه خود را ارتقاء بخشند. نامزدهای ریاست جمهوری در رقابت‌های انتخاباتی، اغلب طرح‌هایی را در زمینه سیاست داخلی و خارجی به عنوان برنامه خود مطرح می‌سازند که توسط این مراکز مطالعاتی تهیه شده است یا به طور عمیق تحت تأثیر دیدگاه‌های آنها بوده است.

۱۰- اجماع سازی

اجماع سازی، دهمین کارکردی که می‌توان برای محافل فکری قائل شد. از آنجا که اکثر محافل فکری غیر حزبی یا دو حزبی‌اند، طبیعی است که تلاش می‌کنند دیدگاه‌های مختلف را مدّنظر قرار و بهترین تحلیل و راهکار را ارائه دهند. این امر سبب می‌شود که آنها تلاش کنند بین دیدگاه‌های مختلف پل بزنند و متعصبانه از یک سیاست خاص دفاع نکنند.

۱۱- دیپلماسی کانال دوم

یکی دیگر از نقش‌های مهمی که گاهی این محافل ایفا می‌نمایند، دیپلماسی کانال دوم است. در مواردی که اختلافاتی میان دو یا چند کشور یا گروه بروز می‌کند، این محافل با دعوت از طرفین درگیر و یا گرایشات فکری- سیاسی مختلف به گفت‌وگو در قالب میزگردها و سمینارهای باز یا بسته، نقش مهمی در آشنایی آنها با یکدیگر و ایجاد روابط شخصی مستقیم میان آنها ایفا می‌کنند.(سنبلی، ۱۳۸۱: ۱۰۹۱-۱۰۹۵)

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

۱۲- تولید دانش

تولید دانش بخشی از موضوع قدرت و یکی از کارکردهای مهم اتاق‌های فکر است. فرانسیس بیکن بر این اعتقاد بود که دانش تولیدکنندهٔ قدرت است. براساس چنین رویکردی، زمینه‌های سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلف تولید علم فراهم گردید. (آرلن والی ، ۱۳۹۰ : ۵)

این مؤسسات را که اغلب ادعای غیرحزبی بودن دارند باید واجد برچسب ایدئولوژیک دانست که پیگیر مواضع و دیدگاه‌های سیاسی هستند. هدفشان این است که به سیاست عمومی جهت داده و تحقیقات و تحلیل‌هایی با مواضع خاص یعنی لیبرال یا محافظه‌کار را اشاعه دهند. در عین‌حال، به‌رغم اینکه دولت، بنیادهای خیریه، شرکت‌های بزرگ نفتی و افراد ثروتمند از حامیان مالی آنها هستند، در برخی موارد هم معلوم نیست هزینه‌های آنان از کجا تأمین می‌شود. براساس قانون آمریکا نیز هرچند کمک‌های بزرگ به اینگونه سازمان‌ها باید در اظهارنامه سالیانه مالیاتی آنها درج شود، ولی لازم نیست هویت کمک‌کنندگان افشا شود. (ماه پیشانیان، ۱۳۸٦: ۲-۳)

در محافل روشنفکری ایالات متحده، این موضوع مطرح می‌شود که آمریکا برای گسترش دموکراسی نیازمند تولید هنجارها و اصول دموکراتیک متناسب با شرایط جهانی است. (کیگان، ۱۳۸۳: ۲۰٤ - ۲۰۳)

اتاق‌های فکر در آمریکا در کنار رسانه‌ها به عنوان قوه چهارم[1] حاکمیت قرار دارند. قوه‌ای در تراز سه قوه دیگر (قانون‌گذاری، اجرایی، قضایی) که ساختار حاکمیت ایالات متحده را می‌سازند. بر این اساس است که نهادهای مذکور در آمریکا به چهره اصلی ترسیم دورنمای سیاسی کاخ سفید تبدیل شده‌اند و سیاست‌گذاران در کنگره، کاخ سفید، پنتاگون و حتی مقامات اداری فدرال اغلب برای تصمیم‌گیری‌های خود به مشاوره با آنان روی می‌آورند. (ماه پیشانیان ، ۱۳۸۹: ٤-۵)

رویکردها و سناریوهای مختلف مؤسسات مطالعاتی در قبال ایران

موضوع ایران در حوزهٔ سیاست‌گذاری خارجی و امنیتی آمریکا از سه جهت اهمیت دارد. نخست، ایران در حوزهٔ ژئوپلیتیکی منحصر به فردی قرار دارد. دوم اینکه انقلاب اسلامی

1. fourth brach

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

ایران زمینه‌های لازم برای مقابله با بنیادهای معطوف به برتری‌گرایی و رسالت‌گرایی غرب را به وجود آورد. سوم، گروه‌های رژیم صهیونیستی محور در ساختار سیاسی آمریکا از جایگاه تعیین‌کننده‌ای در روند سیاست‌گذاری برخوردارند.

برای مثال، در روند انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا می‌توان نشانه‌های همکاری‌گرایی در نامزدهایی مثل ران پل، کاندیدای حزب جمهوری‌خواه، برای ریاست جمهوری ۲۰۱۲م مشاهده کرد. نامبرده رویکرد خود درخصوص ایران را در روند رقابت‌های انتخاباتی در کنوانسیون‌های ایالتی پیشنهاد داده است. ران پل و افرادی که دارای رویکرد راهبردی مشابهی با وی دربارهٔ ایران هستند، معتقدند که دولت اوباما در تبیین شرایط جدید خاورمیانه و آسیای جنوب غرب نمی‌تواند نقش سیاسی و امنیتی ایران را نادیده بگیرد. بر این اساس، ضرورت‌های منافع ملی ایالات متحده ایجاب می‌کند که از گزینه‌های همکاری‌جویانه در این فرایند استفاده شود. رویکرد دوم که در سر دیگر طیف راهبردهای امنیتی آمریکا در برخورد با ایران قرار دارد، دارای ماهیت خصمانه و مقابله–جویانه است. رویکردی که مبتنی بر سنت‌های دونالد رامسفلد و جان بولتون است. برخی از تحلیلگران و کارگزاران سیاست امنیتی آمریکا بر ضرورت مقابلهٔ شدید علیه ایران تأکید دارند. گروهی که به طور عمده تحت تأثیر آموزه‌های رژیم صهیونیستی محور قرار دارند و سعی در پیگیری زمینه‌های لازم برای حل تضادهای ایران و آمریکا، با انجام اقداماتی همانند فرسایش قدرت، تحریم‌های فلج‌کننده، حملهٔ نظامی و تغییر رژیم دارند.

در بین دو سرطیف، رویکردهای دیگری وجود دارد که از سوی نهادهای اجرایی، کارگزاران بوروکراتیک و همچنین پژوهشگران راهبردی تبیین و ارائه می شود. این افراد تلاش دارند تا رویکردهای خود را در فضای اجتماعی، نهادی و سیاسی آمریکا ارائه دهند. پژوهشگران مؤسسات تحقیقاتی کارگزاران اتاق‌های فکر و مدیران اجرایی و اداری ایالات متحده حساسیت ویژه‌ای به چگونگی تعامل با ایران دارند. اهمیت ایران در فضای سیاست–گذاری ایالات متحده تا حدی است که تمامی نامزدهای ریاست جمهوری باید رویکرد خود در برخورد با ایران را تبیین نمایند. به همین دلیل اتاق‌های فکر و کارگزاران اجرایی در آمریکا دارای رهیافت‌های نظری و راهبردی متفاوتی در برخورد با جمهوری اسلامی ایران هستند. هریک از پژوهشگران و کارگزاران اجرایی در حوزهٔ سیاست خارجی و امنیت ایالات متحده دارای نگرش کاملاً

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

متفاوتی دربارۀ ایران هستند. تفاوت در قالب‌های ادراکی آنها را می‌توان براساس زیرساخت‌های تحلیلی، جایگاه سازمانی، نقش بوروکراتیک و همچنین مصلحت‌گرایی راهبردی دانست. براساس چنین نشانه‌ها و مؤلفه‌هایی، گزینه‌های رفتاری متنوعی در برخورد با ایران از سوی این مجموعه‌ها تبیین گردیده است. رویکردهای ارائه‌شده را می‌توان در طیفی مورد توجه قرار داد که یک سر آن معطوف به انجام همکاری‌های فراگیری در قالب همکاری‌های متقابل برای حل مسالمت‌آمیز اختلافات بوده، در حالی که رویکردهای دیگری وجود دارد که دارای جهت‌گیری تعارضی در برخورد با ایران و سیاست منطقه‌ای آن در خاورمیانه است.

در مجموع از ابتدا تاکنون چهار رویکرد کلان درباره ایران در مراکز و کانون‌های تصمیم‌ساز آمریکایی شکل گرفته و اکثر آنها نیز در مقاطع مختلف ۳۷ سال گذشته وارد عرصه سیاستگذاری دربارۀ جمهوری اسلامی شده است. در ادامه به تشریح این چهار رویکرد پرداخته می شود:

۱- رویکرد سازش

رویکرد سازش که با ترکیبی از مصالحه و معامله مطرح شده است، رویکردی دیپلماتیک با هدف ترغیب ایران به همکاری با غرب است. این رویکرد معتقد است که مداخله ایالات متحده با هدف براندازی، می‌تواند دولت ایران را کاملاً تقویت کند. براساس این رویکرد، دولت ایران همه ابزارهای قدرت در کشور را در اختیار دارد. بنابراین، اگر ایالات متحده خواهان روابط با تهران است باید با دولت حاکم در ایران به توافق برسد. به اعتقاد نظریه‌پردازان این رویکرد، آمریکا با یک هدف، سیاست خود در قبال ایران را بر مبنای بازداشتن این کشور در مسیر دشمن و متمایل نمودن آن به سمت واقعیت‌ها و منافع همکاری با آمریکا در زمینه‌های اقتصادی و امنیتی قرار دهد. این گروه از سیاست گفت‌وگوهای دولت- دولت حمایت می‌کند و معتقد است که برقراری گفت‌وگو با ایران به نفع ایالات متحده آمریکاست و در بلندمدت می‌تواند منافع این کشور را، به ویژه، از جنبه ژئوپولیتیک تأمین کند. وقتی اوباما در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در نوامبر ۲۰۰۸م به پیروزی رسید، رویکرد جدید خود را برای ارتقای سطح همکاری‌ها با ایران اعلام داشت. گزینۀ ترغیب ایران به همکاری با کشورهای غربی دارای موانع زیادی است، اما اوباما در ماه‌های نخست ریاست جمهوری خود

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

اعلام کرد که برنامه اجرایی وی شامل ابتکاراتی است که ایران را به همکاری دیپلماتیک با کشورهای غربی ترغیب خواهد کرد. این رویکرد را اکثر اروپاییان و برخی دولتمردان آمریکا دنبال می‌کنند و معتقدند که این همکاری نباید یک‌طرفه باشد که اگر ایرانیان خواهان سود بردن از روابط جدید هستند باید رفتارشان را تغییر دهند. به اعتقاد این افراد تغییر در مسیر سیاست‌های ایران زمانی حاصل خواهد شد که روابط دوجانبه بر مبنای «منافع مشترک» و نه «نقاط تضاد» استوار شده باشد. (مرکز نیکسون، – ۱۳۸۳: ۱۱–۱۲)

آرون دیوید میلر[1] و ریچارد اسکولسکی[2] از محققان «مرکز مطالعاتی وودرو ویلسون» در مقاله‌ای با عنوان «حرکت به جلو در قبال ایران؛ سیاستی برای دولت بعدی آمریکا»، در مجله فارن افرز، رویکرد همکاری و سازش با ایران را در چارچوب منافع آمریکا می‌دانند: «ایران مورد مناسبی برای مذاکره است، اما اختلاف داخلی بین کاخ سفید و کنگره انعطاف‌پذیری لازم در مذاکرات را با چالش مواجه کرده است.» از دیدگاه میلر استفاده آمریکا از رویکرد قدرت در مواجه با ایران غیرعاقلانه و غیرضروری است. واشنگتن باید بر منافع حیاتی آمریکا متمرکز و همکاری با ایران باید در خدمت منافع آمریکا باشد. (Miller _ Sokolsky, 2016)

سازش‌گرایان معتقدند که اکثریت اسلام‌گرایان، میانه‌رو هستند و نشانه‌هایی از دموکراسی و انعطاف‌پذیری در آنها مشاهده می‌شود. یکی از توصیه های این گروه به سیاستمداران آمریکایی، برخورد مسالمت‌آمیز و مقابله نکردن مستقیم با برنامه‌های اسلام‌گرایان است. آنها عقیده دارند آمریکا باید از دموکراسی اسلامی طرفداری کند. (ملایی– کافی،۱۳۹۲: ۱۳۶) این رویکرد معتقد است که ایران در بلندمدت می‌تواند به یک دولت معتدل تبدیل شود و به همکاری در منطقه بپردازد. برای طرفداران این رویکرد بحث هسته‌ای، پیچیده‌ترین و مورد اختلاف‌ترین موضوع در روابط دوجانبه بین ایران و آمریکاست و سایر مشکلات نظیر تروریسم و تحریم‌ها به نظر آنها در صورت صلاحدید رهبران به راحتی قابل حل می‌باشد. به نظر آنها بحث هسته‌ای ایران مختص حکومت فعلی آن نیست و حتی در صورت روی کارآمدن یک حکومت دیگر در ایران، این کشور از دستیابی به توانمندی چرخه سوخت هسته‌ای دست نخواهد کشید.

برخی اتاق‌های فکر آمریکا خواهان حل و فصل حوزه‌های تنش ایران و آمریکا در قالب

1. Aaron David Miller
2. Richard Sokolsky

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

یک بسته پیشنهادی هستند که در آن به صورت همزمان چهار مقولهٔ حقوق بشر، ترتیبات منطقه‌ای، فرآیند صلح خاورمیانه و خلع سلاح از طریق مذاکرات دیپلماتیک پیگیری شوند. این گروه اقدام‌های تشویقی را مؤثرتر از گزینه تحریم (چماق) ارزیابی می‌کنند و مصداق ایده خود را خلع سلاح جمهوری‌های شوروی سابق در قالب وام برای خلع سلاح اتمی می‌دانند. برای مثال جورج پرکویچ، کارشناس مطرح اتاق فکر کارنگی در مقاله‌ای با عنوان «تغییر منافع هسته‌ای ایران»، معتقد است آمریکا برای ایجاد تغییرات مثبت در ایران باید بپذیرد که سیاست واشنگتن در قبال این کشور در سال‌های گذشته کاری از پیش نبرده و خواستار ارائه مشوق‌های زیر به ایران شده است:

- احترام به امنیت و حاکمیت ملی ایران.
- کمک به هسته‌ای شدن ایران به گونه‌ای که فناوری آن بومی نبوده و وارداتی باشد.
- مشارکت ایران در ترتیبات امنیتی منطقه‌ای.
- آزادی اموال توقیف شده ایران در آمریکا.
- لغو پلکانی تحریم‌های یک‌جانبه.
- حمایت از تأسیس خط لوله صلح میان ایران، پاکستان و هند. (عبداله خانی -کاردان، ۱۳۹۰)

۲- رویکرد جنگ

این رویکرد بیش از هر چیزی تحت تأثیر لابی اسرائیل در ایالات متحده و استراتژیست‌ها و سیاسیون وفادار به اسرائیل است. لابی اسرائیل در ایالات متحده همواره در تلاش بوده است تا هر تهدیدی که متوجه اسرائیل است را در بدترین حالت توصیف کند. اما در این میان تلاش مضاعفی صورت می‌گیرد تا ایران خطرناک‌ترین دشمن ایالات متحده معرفی شود. (عبداله خانی ،کاردان، ۱۳۹۰: ۱۱۹)

دولت آمریکا «با زبان قدرت سعی در مشروعیت‌بخشی به خود و مشروعیت‌زدایی از دیگری (ایران) دارد»، (غیاثیان و همکاران،۱۳۹۲: ۹۸) تا از این طریق افکار عمومی را برای برخورد با ایران و مشروعیت‌بخشی به تصمیم‌های خود مهیا سازد.(ثانی آبادی علی پور،۱۳۹۲: ۷۱) طبق این رویکرد «تهدید ایران واقعی و فوری است. ایالات متحده در صورت لزوم باید برای حمله هوایی به مراکز اقتصادی و از بین بردن تأسیسات هسته‌ای ایران اقدام نماید.» (Ozcan_Ozdamar, 2009)

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

براساس شاخص‌ها و نشانه‌های الگوی نظامی، سه گزینهٔ متناسب با روح کلی الگو تبیین گردیده است. گزینهٔ نخست مبتنی بر «اشغال ایران» با جنگ فراگیر و همه‌جانبه است. گزینه دوم براساس تجربه حمله رژیم صهیونیستی به تأسیسات اتمی عراق (اوسیراک) طراحی شده است. این گزینه مبتنی بر «عملیات نیروی هوایی» آمریکاست که براساس آن تنها تأسیسات هسته‌ای هدف‌گیری خواهند شد. گزینهٔ سوم گویای آنست که این اقدام از سوی بازیگران دیگر، همانند رژیم صهیونیستی انجام می‌پذیرد. در این رابطه رژیم صهیونیستی به جای آمریکا، «اقدامات نظامی تاکتیکی» انجام خواهد داد. این امر در قالب حملهٔ هوایی به تأسیسات مورد نظر انجام می‌گیرد.

۲-۱. رویکرد حمله نظامی پیش دستانه

برخی اتاق‌های فکر و تحلیلگران آمریکا، به گزینه حمله نظامی غافلگیرانه اعتقاد دارند. این حمله می‌تواند به تأسیسات هسته‌ای محدود باشد یا برای اطمینان خاطر از ناتوانی ایران در مبادرت به اقدام تلافی‌جویانه، همهٔ زیرساخت‌های نظامی را شامل شود. مرکز سیاست‌های امنیتی، مؤسسات سیاست خارجی دانشگاه جان هاپکینز، تحقیقات سیاست خارجی، هریتیج، هادسون، ارزیابی و تحلیل سیاست خارجی و یهود در امور امنیت ملی برخی اتاق‌های فکر حامی گزینه حمله نظامی به تأسیسات اتمی ایران هستند. (امام‌جمعه‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۵)

۲-۲. جنگ نیابتی

گزینه آخر در رویکرد جنگ، جنگ نیابتی است. طرفداران این گزینه جنگ با ایران از طریق رژیم صهیونیستی را پیشنهاد کرده‌اند که می‌تواند با چراغ سبز آمریکا در حمله و یا چراغ زرد و دادن مجوز بدون دخالت در حمله و در نهایت سکوت آمریکا همراه باشد. «اسرائیل با حمله نظامی به تأسیسات هسته ایران برنامه هسته‌ای این کشور را نابود یا دستیابی به سلاح هسته‌ای را برای چند سال به تأخیر می‌اندازد.»(Toukan _ Cordesman, 2010: 13)

به هرحال حامیان جنگ در چارچوب این استراتژی، دیپلماسی را عنصر کارآمدی برای مهار هسته‌ای ایران نمی‌دانند و معتقدند نتیجه دیپلماسی وقت‌کشی به نفع ایران است. بر همین اساس آنان اقدامات پیشگیرانه شامل عملیات نظامی و عملیات پنهان را به عنوان وسیله‌ای برای ایجاد تأخیر در برنامه هسته‌ای ج.ا.ا و مهار آن پیشنهاد می‌کنند. (مرکز نیکسون، ۱۳۸۳ - ٤٠)

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

اتخاذ رویکرد جنگ و ستیز با ایران با مخالفت‌هایی مواجه است. مخالفان حمله نظامی به ایران را به دلایل ذیل عمل عاقلانه‌ای نمی‌دانند:

۱. برنامه هسته‌ای، ایران را به طور کامل از بین نمی‌برد.

۲. ممکن است ایران از طریق سازمان‌ها و گروه‌های وابسته به خود به نیروهای آمریکایی در عراق و... حمله کند.

۳. برای بسیاری از مسلمانان در سراسر جهان حمله به ایران، چشم‌اندازی از جنگ تمدن‌ها را نمایان می‌سازد. (Carpenter,2010: 1)

۳- رویکرد تغییر از درون (براندازی نرم)

در حال حاضر، مهم‌ترین گزینهٔ این رویکرد درخصوص ایران، در حوزه براندازی نرم قابل بررسی است. استفاده از ابزار روانی برای بسیج عمومی برای تغییرات سیاسی نیاز به حداقلِ منابع دارد. رسانه، فضای مجازی و اینترنت برای زیر سؤال بردن مشروعیت نظام سیاسی، به وفور مورد استفاده قرار می‌گیرد. مخالفان رژیم برای انتشار عقایدشان از این ابزارها استفاده می‌کنند. آمریکا مشابه عملی که در اوکراین و گرجستان انجام داد، از گروه‌ها و سازمانی مدنی مخالف نظام حمایت می‌کند. به عنوان مثال در سال ۲۰۰۳م کنگره آمریکا مبلغ ۱/۵میلیون دلار برای سازمان‌های غیردولتی ایران به بهانه حمایت دموکراسی و حقوق بشر اختصاص داد. (Fitzpatrick,2008)

استراتژی تغییر رژیم از طریق براندازی نرم، بهره‌برداری از نقاط فشار اقتصادی و جمعیتی، حمایت از گروه‌های مخالف و بهره‌برداری از تنوع قومی در ایران است. (Makovsky, 2008: 65)ایالات متحده آمریکا از سه گسل و شکاف مذهبی- فرقه‌ای، قومی و اجتماعی - اقتصادی علیه نظام ایران استفاده می‌کند. آمریکا بر ایجاد و تشدید اختلاف و شکاف بین شیعه و سنی، برای ضربه زدن به ایران سرمایه‌گذاری کرده است. همچنین، این کشور با توجه به چندقومیتی بودن کشور ایران، سعی در ایجاد تفرقه بین اقوام مختلف آذری، بلوچ، کرد، عرب و ترکمن کرده است. در نهایت، آمریکا در رسانه و فضای مجازی بر نمایش و برجسته کردن مشکلات اقتصادی و نابرابری اجتماعی در ایران اقدام می‌کند. (Henry_Springborg, 2008:215-17)

این گزینه از سوی مراکز تصمیم‌ساز آمریکایی به‌خصوص مراکزی که دارای کارشناسان

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

ایرانی است با دقت فرموله شده و پس از انتخابات شکوهمند دهم ریاست جمهوری در ایران و حوادث پس از آن از استقبال بسیار گسترده‌تری برخوردار گردیده است. هم اکنون بسیاری از مراکز تصمیم‌ساز آمریکایی با کمک برخی عناصر ایرانی، به طور مرتب، در حال دقیق‌تر کردن این گزینه هستند. طرفداران این گزینه‌ها آن را بهترین و متناسب–ترین گزینه در شرایط ایران امروزی دانسته و هدف اصلی آن را براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران و جایگزینی آن با نظامی هم‌ساز با منافع آمریکا می‌دانند. (عبداله خانی، کاردان، ۱۳۹۰: ۱۵٤) مشابه چنین روندی را آمریکایی‌ها در سایر کشورهای آسیای مرکزی، اروپای شرقی و حوزهٔ «خارج نزدیک» روسیه تجربه کرده‌اند.

٤- رویکرد پذیرش و بازدارندگی

در رویکرد پذیرش و بازدارندگی غرب به پذیرش ایران به عنوان قدرت هسته‌ای جهانی و اتخاذ بازدارندگی در مقابل آن اذعان دارد. «رویکرد جایگزین برای تحریم، حمله نظامی، اعتراف به پذیرش ایران در باشگاه هسته‌ای جهانی است. سپس ایالات متحده آمریکا با اتکاء به زرادخانه هسته‌ای، در مقابل تهدید ایران علیه اهداف و منافع آمریکا بازدارندگی ایجاد می‌کند. اتخاذ این استراتژی برای آمریکا بدون ریسک نیست.»(Carpenter, 2006:9) این رویکرد قبل به قدرت رسیدن دولت نهم و دهم در ایران، در محافل فکری ایالات متحده آمریکا مورد بررسی قرار می‌گرفت.

طرفداران رویکرد بازدارندگی، معتقدند در جایی که دیگر رویکردهای سازش، جنگ و تغییر از درون جواب نمی‌دهد، بازدارندگی به صورت طبیعی آخرین شانس و در سیاست آخرین گزینه برای انتخاب است. این رویکرد بیشتر در محور برنامهٔ هسته‌ای ایران ظهور و بروز پیدا کرد و طرفداران آن معتقدند که باید یک ایران هسته‌ای را پذیرفت و به جای مقابله با آن درصدد بازدارندگی آن برآمد. موضوع تحریم‌ها از گزینه‌های راهبردی این رویکرد است. اعتقاد طرفداران این رویکرد بر این است که با تحریم‌های تدریجی در قالب تحریم‌های سازمان ملل متحد و تحریم‌های شورای اروپا و... می‌توان به‌تدریج ایران را به انزوا کشاند و در عین حال تصویر یک بازیگر مخل امنیت بین‌الملل را از ایران در جهان ارائه کرد که این خود زمینه را برای اقدامات احتمالی بعدی علیه ایران فراهم می‌کند. (اقارب پرست، ۱۳۸٤: ۹٦)

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

اهداف آمریکا از اعمال تحریم‌های اقتصادی: ۱. تلاش جهت تغییر نظام یک کشور؛ ۲. تغییر سیاست‌ها یا تمایل به تأثیرگذاری در سیاست‌های یک کشور هدف؛ ۳. تنبیه و مجازات کشور هدف برای نشان دادن مراتب مخالفت نمادین سیاست‌های کشور هدف. (امام جمعه زاده وهمکاران،۱۳۹۲: ۱۸)

گزینه‌های امنیتی نیز درخصوص ایران از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در زمرهٔ گزینه‌های امنیتی می‌توان به اقداماتی از جمله جنگ سایبری، ترور، خرابکاری، آشوب و گسترش فرایندهایی اشاره کرده که زیرساخت‌های امنیتی نظام سیاسی را متزلزل سازد.

– به طور کلی عوامل مطرح درخصوص ایران را با توجه به مطالب عنوان شده می‌توان در قالب جدول زیر مشاهده کرد:

جدول ۱. جهت‌گیری برخی از مؤسسات مطالعاتی آمریکا در قبال ایران (عبداله خانی، کاردان، ۱۳۹۰: ۱۶۳)

نام مؤسسه	جهت گیری حزبی یا فکری	تغییر	جنگ	سازش	بازدارندگی
بنیاد ملی برای دموکراسی	دوحزبی	✓	×	✓	×
بنیادهای جامعه باز	حزب دموکرات	✓	×	✓	×
مؤسسه هوور	جمهوریخواه – نومحافظه کار	✓	×	✓	×
بنیاد صلح بین المللی کارنگی	مستقل	✓	×	✓	✓
خانه آزدی	جمهوریخواه – نومحافظه کار	✓	×	×	×
مؤسسه امریکن اینترپرایز	جمهوریخواه – نومحافظه کار	✓	✓	×	×
بنیاد هرتیج	جمهوریخواه – نومحافظه کار	✓	✓	×	×
بنیاد دموکراسی در ایران	جمهوریخواه – نومحافظه کار	✓	✓	×	×
شورای روابط خارجی	حزب جمهوریخواه	✓	✓	×	×
مؤسسه سیاست خاور نزدیک واشنگتن	جمهوریخواه – نومحافظه کار– لابی اسراییل	✓	✓	×	×
مؤسسه کیتو	جمهوریخواه – نومحافظه کار	×	×	✓	✓
مرکز پیشرفت آمریکا	حزب دموکرات	×	×	✓	✓
پروژه سیاست خارجی آمریکا	فراحزبی	×	×	✓	✓
شورای ملی ایرانیان آمریکا	مستقل	×	×	✓	✓
مؤسسه بروکینگز	دو حزبی	✓	✓	✓	✓
کمیته خطر کنونی	جمهوریخواه – نومحافظه کار	✓	✓	✓	✓

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

بحث و نتیجه‌گیری

سیاست خارجی آمریکا برآیند چانه‌زنی مکرر میان نخبگان در اتاق‌های فکر و مؤسسات پژوهشی فعال در این کشور است. اتاق‌های فکری در آمریکا یکی از ارکان اصلی تصمیم‌گیری در ساختار سیاسی ایالات متحده محسوب می‌شوند. اتاق‌های فکر به موازات سازمان‌های بوروکراتیک و همچنین گروهای اجرایی به ایفای نقش در روند سیاست‌گذاری امنیتی می‌پردازند.

موضوعات مربوط به ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل امنیت بین‌الملل در سال‌های اخیر، یکی از مهم‌ترین مسائل مورد بررسی و تحقیق در اتاق‌های فکر و مؤسسات مختلف پژوهشی آمریکا بوده است. رصد سیاست‌های آمریکا در قبال ایران به‌ویژه در قبال پرونده هسته‌ای ایران به خوبی نشان می‌دهد تغذیه فکری رویکرد سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران از تحریم‌ها گرفته تا مذاکره همه و همه به نوعی از اتاق‌های فکر آمریکا نشأت گرفته و همچنین، اتاق‌های فکر در جهت‌دهی به دولتمردان آمریکا در تصمیم‌سازی سیاست خارجی کاخ سفید در قبال ایران بسیار تأثیرگذارند.

مطالعه پروژه‌های مختلف تحقیقاتی، گزارش‌های سالانه، گزارش‌های رسمی منتشرشده و مصاحبه‌های تحلیلگران این اتاق‌ها و مؤسسات ما را به چهار رویکرد کلی حاکم بر اتاق‌های فکر و مؤسسات پژوهشی آمریکا در مواجهه با ایران رهنمون می‌سازد. رویکرد اول یا رویکرد سازش که مبتنی بر برخورد نرم و مبتنی بر عدم خشونت در مواجهه با ایران است. رویکرد دوم بر اقدام نظامی کلی و یا محدود تأکید می‌کند. رویکرد سوم رویکرد تغییر از درون است که فشار از داخل را به عنوان راهکار کلی مورد ملاحظه قرار داده است. در نهایت رویکرد چهارم بازدارندگی را مورد تأکید قرار می‌دهد که مهم‌ترین گزینه راهبردی آن تکیه بر تحریم‌های بلندمدت است.

هریک از رویکردهای یادشده، دارای مطلوبیت و همچنین مخاطرات امنیتی و راهبردی فراوانی برای آمریکا خواهد بود. به همین دلیل، بهره‌گیری از یک گزینه به تنهایی نمی‌تواند مطلوبیت لازم را برای واحدهای سیاسی ایجاد کند. از سوی دیگر، در تبیین هر گزینه، تلاش شده تا ابزارهای مورد استفاده و مخاطرات مربوط به آن توسط تحلیلگران مراکز پژوهشی و اتاق‌های فکر ایالات متحده ارائه شود.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

شناخت این اتاق‌ها و مؤسسات پژوهشی و درک جایگاه آنها در روند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری سیاست خارجی آمریکا به خصوص در قبال پروندهٔ هسته‌ای ایران، نخبگان ایران را در جهت مقابله با تهدیدهایی که از سوی آمریکا متوجه ایران است، یاری می‌کند.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

منابع

ابوالفتح، امیرعلی (۱۳۸۱). *برآورد استراتژیک ایالات متحده آمریکا سرزمینی- سیاسی*. جلد اول. تهران: ابرار معاصر تهران.

اقارب پرست، محمدرضا (۱۳۸٤). *گزارش کارشناسی تحلیلی و ارزیابی رویکرد مراکز پژوهشی آمریکا در قبال پرونده هسته‌ای ایران*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

ام. جی. سی. وایل (۱۳۸٤). *سیاست و حکومت در ایالات متحده آمریکا*. ترجمهٔ قربانعلی گنجی. تهران: نشر قومس.

امام‌جمعه زاده، سیدجواد (۱۳۹۳). "نقش اتاق‌های فکر در تصمیم‌سازی سیاست خارجی آمریکا در قبال پرونده هسته‌ای ایران". *پژوهشنامه روابط بین‌الملل*. دوره ۸. شماره ۲۹. صص ۹۲-۷۱.

امام‌جمعه زاده، سیدجواد و همکاران (تابستان ۱۳۹۲). "مؤلفه‌های مذهبی استقلال‌طلبی در فرهنگ ملی ایران و تأثیر آن در رابطه با آمریکا". *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*. سال سوم. شماره دوم.

باربر جیمز، اسمیت مایکل (۱۳۷٤). *ماهیت سیاستگزاری خارجی در دنیای وابستگی متقابل کشورها*. ترجمهٔ سیدحسین سیف‌زاده. چاپ دوم. تهران: قومس

پوستین‌چی، زهره؛ ابراهیم، متقی (۱۳۹۳). *ایران در نگرش اطاق‌های فکر آمریکایی*. تهران: نشر میزان.

ترابی، طاهره (۱۳۸۷). "اتاق‌های فکر و سیاستگذاری در آمریکا". *فصلنامه راهبرد دفاعی*. س ٦. ش۲۳. صص ۲۳۷-۲۵۸.

تیکنر آرلن، ویور الی (۱۳۹۰). *دانش روابط بین الملل در چهار گوشه جهان*. ترجمه علیرضا طیب. تهران: ابرار معاصر تهران.

سنبلی، نبی ( ). "نقش پژوهش و مؤسسات پژوهشی در سیاست خارجی آمریکا". *فصلنامه سیاست خارجی*. سال شانزدهم. شماره ٤. صص ۱۰۹۵-۱۰۸۳.

سوزان مالون (۱۳۸۳). *روابط خارجی ایران و ایالات متحده از دیدگاه شورای روابط خارجی آمریکا*. تهران: ابرار معاصر تهران.

دوئرتی جیمز، فالتزاف گراف رابرت (۱۳۸۳). *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*. تهران: قومس

رسولی ثانی آبادی، الهام؛ علی‌پور، محمود (پاییز ۱۳۹۲). "تبیین سیاست خارجی آمریکا در مدیریت تحولات انقلابی- عربی از سازه‌انگاری تا رویه‌ها و کنش‌های مبتنی بر معناهای بیرونی". *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*. سال سوم.

سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۸٤). *مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی*. تهران: انتشارات وزرات امور خارجه.

عبداله‌خانی، علی؛ کاردان، عباس (۱۳۹۰). *رویکردها و طرح‌های آمریکایی درباره ایران*. تهران: ابرار معاصر تهران.

غیاثیان، مریم‌السادات و همکاران (تابستان ۱۳۹۲). "بازنمایی گفتمان مشروعیت فعالیت هسته ایران از نگاه

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

آمریکا". *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*. سال سوم. شماره دوم.
فرانکل، جوزف (۱۳۷٦). *نظریه معاصر روابط بین‌الملل*. ترجمهٔ وحید بزرگی. تهران: اطلاعات.
قوام، عبدالعلی (۱۳۸٦). *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*. تهران: سمت
کیگان، رابرت (۱۳۸۳). *محوریت ایالات متحده در تقویت دموکراسی*. ترجمه سیروس فیضی و احمد رشیدی. تهران: کویر.
ماه‌پیشانیان، مهسا (۱۳۸٦). "راهکارهای آمریکا برای جنگ نرم با جمهوری اسلامی ایران". *فصلنامه تخصصی عملیات روانی*. سال پنجم. شماره ۱۸. صص ۲۵-۱.
ـــــــــ (۱۳۸۹). "رسانه‌سازی اتاق‌های فکر آمریکایی نمایی دیگر از جنگ نرم". *فصلنامه رسانه*. سال بیست و یکم. شماره ۱. صص ۱۰٤-۸۵.
ملایی، اعظم؛ کافی، مجید (تابستان ۱۳۹۲). "احیای هویت اسلامی و ایدئولوژی تمامیت‌طلبی آمریکایی". *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*. سال سوم. شماره دوم.
متقی، ابراهیم؛ فقیه، مهدی (۱۳۹۲). "نقش اتاق‌های فکر در تعامل با نهادهای تصمیم‌گیر راهبردی آمریکا". *فصلنامه مطالعات آمریکا*. پیش شماره ۹. صص ۵-٤۰.
مرکز نیکسون (A۱۳۸۳). *ایالات متحده و ایران: معمای هسته‌ای*. تهران: ابرار معاصر تهران.
مرکز نیکسون (B۱۳۸۳). *بمب اتمی ایران: دیدگاه‌های ایران و آمریکا*. تهران: ابرار معاصر تهران.
موسوی، سیدمحمدعلی؛ کدخدایی، الهام؛ فاطمه، شفیعی سروستانی (۱۳۹۰). "مدلسازی روند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا". *فصلنامه روابط خارجی*. سال سوم. شماره دوم. صص ۳۸-۷.
میلز، سی رایت (۱۳۸۳). *نخبگان قدرت*. ترجمه حسین زنگنه. تهران: غرب‌شناسی.
نای، جوزف (۱۳۹۰). *آینده قدرت*. ترجمه رضا مراد صحرایی، سیدطاهر شریعت پناهی و سیدحسن ارجانی. تهران: حروفیه.
ویتکف، اوجین؛ کاگلی، چارلز (۱۳۸۲). *الگو و روند درسیاست خاجی آمریکا*. ترجمه اصغر دستمالچی. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
هالیدی، فرد (۱۳۷۲). *تکوین دومین جنگ سرد جهانی*. ترجمه هرمز همایون‌پور. تهران: نشر آگاه.
Abelson, Donaled (November 2002). "Think tanks and US foreign policy: An History perspective". *An Electoral Journal of The U.S. Department of State*. Vol 7. No. 3.
Ahmad, Mahmood; Baloch Bakhash Qader (2008). *Behind the scene: The Contributions of Think Tanks in U.S*. Policy-Making,
http://www.qurtuba.edu.pk/thedialogue/The%20Dialogue/2_2/4_M_Ahmad.pdf.
Chance Alek (2016). *Think Tanks in the United States Activities, Agendas, and Influence*. http://chinaus-icas.org/wp-content/uploads/2016/05/ICAS-Report-2016-Think-Tanks-in-the-US.pdf

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

Iborra Madina Ivan; Guttormsen Davids (2013). *Visibility and Activity: Foreign Affairs Think Tanks in the United Kingdom*. http://www.politicalperspectives.org.uk/wp-content/uploads/4-Medina-Guttormsen_AcceptedArticle_PoliticalPerspectivesSI_20121.pdf.

Carpenter Ted Galen (2006). *Iran's Nuclear Program, America's Policy Options*. https://object.cato.org/sites/cato.org/files/pubs/pdf/pa578.pdf

Fitzpatrick Mark (2008). *The Iranian Nuclear Crisis: Avoiding worst-case outcomes*. http://www.iiss.org/en/publications/adelphi/by%20year/2008-e03b/the-iranian-nuclear-crisis--avoiding-worst-case-outcomes-cb9e.

Hass Richard (November 2002). "Think Tanks U.S. Foreign policy: A policy _makers perspective": *an Electoral Journal of The U.S. Department of State*. Vol. 7. No. 3.

Henry Clement M.; Springborg Robert (2008). *Globalization and the Politics of Development in the Middle East*. Cambridge University Press.

Makovsky Michael (2008). *Meeting the challenge U.S policy toward Iranian Nuclear Development*. http://bipartisanpolicy.org/wp-content/uploads/sites/default/files/us%20policy%20toward %20iranian%20nuclear%20development.pdf.

Miller Aron David; Sokolsky Richard (2016). *Moving Forward on Iran,A Policy for the Next U.S. Administration*. https://www.foreignaffairs.com/articles/iran/2016-11-07/moving-forward-iran.

Ozcan Nihat Ali; Ozdamar Ozgur (2009). *Iran's Nuclear Program and the Future of U.S.-Iranian Relations*. http://mepc.org/journal/middle-east-policy-archives/irans-nuclear-program-and-future-us-iranian-relations?print

Toukan Abdulla;Cordesman Anthony H. (2010). *Options in Dealing with Iran's Nuclear Program*. https://csis-prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/legacy_files/files/publication/100323 _Options_todealwith_Iran.pdf.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۶۰۲۰۳

به این مقاله این‌گونه استناد کنید:

لب‌خنده، ابراهیم؛ کریمی‌فرد، حسین (۱۳۹۵)، «کارکرد مؤسسات مطالعاتی در سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران» *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س۶، ش۱، بهار ۹۵، صص ۵۵-۸۱.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]